

کوررنگی دینی

محسن کدیور

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيفٍ (۱)

السلام علی سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین الذی «بَذَلَ مُهْجَتَهُ فَبِکَ لَیْسَتْ نَقْدَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَبِیرَةِ الضَّلَالَةِ» (۲)
سلام بر سیدالشهداء أباعبدالله الحسین (ع) که خورش را در راه تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی ضلالت نجات دهد.

بحث «کوررنگی دینی» به مناسبت ایام شهادت سرور آزادگان و سالار شهیدان حسین بن علی (ع) در کربلا در راستای تحقق آیه و زیارت اول سخن یعنی «بصیرت دینی، رفع جهالت و حیرت ضلالت» شامل شش قسمت است: مشت نمونه خروار، برخی اختلالاتی چشم آدمی، بصیرت دینی، کوررنگی دینی، مؤیدات منقول، و پاسخ به سه سؤال اصلی.

یک. مشت نمونه خروار

هفته گذشته حداقل سه خبر دینی نظرها را جلب کرد. البته اخبار دینی تولیدی داخل خیلی بیش از اینهاست، اما تنها به سه نمونه به عنوان مشت نمونه خروار اشاره می کنم.

خبر اول اخبار مولمه! کنسرت در شهرهای مذهبی کشور از مشهد رضوی، قم عَشَّ آل محمد، دارالعباد یزد، و حریم شاهچراغ شیراز و با توجه به اینکه کشور در حال حاضر بیش از ۱۰ هزار امامزاده دارد - و تعداد زیادی از

آنها بعد از انقلاب کشف شده اند و این بازار پررونق رو به رشد است - باید شاهد بسط حرمت کنسرت در حریم همه این امام زاده ها یعنی تمام کشور باشیم. «سازمان اوقاف و امور خیریه اعلام کرده، ده هزار و ۶۱۵ امامزاده رسمی و مورد تایید در هشت هزار و ۵۱ بقعه دفن شده‌اند. تعداد امامزاده‌ها در ایران طبق آماری که در اول انقلاب گرفته شد، هزار و ۵۰۰ عدد بود، اما این رقم روندی صعودی داشته و تا سال ۱۳۹۰ بیش از هفت برابر شده است. سالانه ۳۰۰ امامزاده بعد از انقلاب در ایران کشف شده‌اند.» (۳) اگر چه در اکثر اقلام مورد احتیاج روزمره مردم واردکننده ایم بحمدالله در این مورد قطب اول در جهان بوده و به فوق خودکفایی رسیده ایم.

علاوه بر ائمه جمعه برخی از مراجع تقلید هم برای لغو کنسرت در شهرهای مذهبی حکم صادر کردند: آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، از مراجع تقلید شیعیان در قم خواهان "برخورد جدی" مسئولان با برگزارکنندگان کنسرت در این شهر شده و گفته است که "حرمت قم باید حفظ شود". به گزارش خبرگزاری حوزه او در دیدار با دبیر کل ستاد امر به معروف ونهی از منکر ایران گفت: "با اجرای مجالس موسیقی و کنسرت قلب امام زمان علیه‌السلام متاثر می‌شود و شما آمران به معروف با مقابله و جلوگیری از این منکر بزرگ موجبات خرسندی امام زمان را فراهم آورید. آیت‌الله صافی گلپایگانی از جمله مراجع تقلید شیعیان است که موسیقی را حرام می‌داند و فتوا داده است که "تمام آهنگ‌هایی که از آلات طرب است حرام است و به هیچ وجه جایز نیست. (۴)

خبر دوم «محکومیت شدید برگزاری مسابقه ملی فوتبال در شب عاشورا از سوی آیت الله محمد یزدی دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود که شادی مردم و تماشاگران ورزشگاه آزادی در صورت به ثمر رساندن گل خلاف شئونات ایام عاشورا است.» (۵)

خبر سوم که از دو مورد قبلی مهمتر است تبیین شئون ولایت مطلقه فقیه از سوی نماینده ایشان در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. ایشان فرمودند: ولی مطلق فقیه در «حجیت، تبعیت، نصب، رسالت و اختیارات» هیچ تفاوتی با پیامبر خدا و امام معصوم ندارد! «آیت الله علی سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیان کرد: وقتی رهبری حکمی صادر می کنند باید از آن تبعیت کنیم و دنبال فلسفه آن نباشیم چون برخی مسائل را نمی توان در آن مقطع زمانی طرح کرد و بیان این مسائل سالها طول می کشد. یکی از

معیارهای روحانیان پیشتاز، تبعیت بی چون و چرا از ولی فقیه است. متعبدترین افراد، یاران امام حسین (ع) بودند که همراه ایشان در کربلا حرکت می کردند و نگفتند برای چه ما را می بری؟ ماموریت کربلا به کلی سری بود و امام نمی توانست پشت صحنه را بگوید چون برخی در آن مقطع زمانی قادر به درک آن نبودند. نخستین معیار برای روحانی پیشتاز، همسویی با ولی فقیه در حکومت دینی است. ولی فقیه در مسائل حکومتی حکم صادر می کند و تبعیت از آن مانند تبعیت از حکم رسول الله (ص) و امامان معصوم (ع) است. ولی فقیه در پنج موضوع حجیت، تبعیت، نصب، رسالت و اختیارات با پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) اشتراک دارد و از این جنبه ها تفاوتی بین آنها نیست. (۶) این که ولی مطلق فقیه در رسالت هم با پیامبر خدا (ص) فرقی ندارد، انصافا در قوطی هیچ عطاری پیدا نمی شود و چنین نماینده باسوادی شایستگی ارتقا مقام دارد!

اینها سه مسئله در صدر اخبار کشور ما بود. در همین هفته جایزه نوبل شیمی به سه دانشمند تعلق گرفت به دلیل ساختن کوچکترین ماشین های جهان که هزار بار کوچکتر از تار مو هستند و می توانند مولکولهایی بسازند که قادر به حرکت کنترل شده هستند. این امر می تواند انقلابی در علم پزشکی ایجاد کند و به درمان بسیاری بیماری های لاعلاج منجر شود. این خبر غربی های از خدا بی خبر است و آن اخبار ام القرای جهان اسلام! بنا ندارم درباره جزئیات این اخبار وقت شما را بگیرم. وقتی این اخبار را - که کم هم نیستند - می خوانم چند گونه سوال به ذهنم هجوم می آورند:

اول. این گویندگان مذهبی چه نسبتی با اسلام و تشیع دارند؟

دوم. وظیفه ما در قبال این اظهارنظرها چیست؟

سوم. اما سوال رو به افزایشی که جان سوز است: نکند اصل اسلام و تشیع همین باشد که اینها می گویند؟ به چه دلیل توجیه و تبیین اینها اسلام نیست و تبیین امثال شما اسلام است؟ از کجا تشخیص دهیم چه کسی درست می گوید؟ آن طرف مراجع تقلید، رهبر و نمایندگان، ائمه جمعه بزرگترین شهرهای کشور تشکلهای سابقه دار روحانی از قبیل جامعه مدرسین و روحانیت مبارز هستند. اکثر مراجع و روحانیونی هم که ساکت هستند

با این افراد هم نظرند. حالا شمای یک لاقبای تک و تنها که هستی؟ و به چه دلیل سخن شما اسلام و تشیع است؟

ممکن است به ذهن شما خطور کند در این مجلسی که آمده ایم در ماتم سیدالشهداء (ع) عزاداری کنیم اینها چیست که می گوئید؟! ذکر مصیبت کنید و روضه بخوانید تا ما گریه کنیم و اجر ببریم! عرایض امشب من پاسخ به همین سه سوال است. اطمینان دارم مصیبت بزرگ ما همین هاست و ما باید به حال اسلام و تشیع بگرییم که اینگونه معرفی شده و می شود. براین باورم اگر خود امام حسین (ع) هم قرار بود در این زمان سخنی بگوید در نقد وجهه جهانی اسلام و وجهه ملی تشیع که توسط نمایندگان خودخوانده آن اینگونه زشت معرفی می شود سخن می گفت. دور هم جمع شده ایم تا به ظلم فاحشی که بر اهل بیت رسول خدا (ص) رفت اعتراض کنیم. به طریق اولی اگر دین رسول خدا (ص) و مذهب اهل بیت او (ع) واژگونه نمایش داده شود افحش است. آنچه امام حسین (ع) به خاطرش خون فشانی کرد رفع همین جهالت ها و ضلالت ها بنام دین بود.

دو. برخی اختلالاتی چشم

برای تشریح مقصود اصلی بحث امشب «کوررنگی دینی» مقدمه ای درباره برخی اختلالاتی چشم لازم است. در این مجال به چهار بیماری رایج چشم - که با عنوان کوررنگی دینی مرتبط است - اشاره می کنم.

دوربینی یکی از عیوب انکساری چشم و به معنی این است که چشم بیمار در دیدن اشیای نزدیک دچار اشکال باشد. این افراد اشیا دور را بهتر از اشیا نزدیک می بینند. در این افراد نقطه کانونی عدسی روی شبکیه قرار نمی گیرد و در پشت آن تشکیل می شود.

نزدیک بینی یکی از عیوب انکساری چشم به معنی این است که چشم بیمار نوشته ها و علامتها را در فاصله نزدیک تشخیص می دهد ولی در فاصله دور نمی تواند تشخیص دهد. در این افراد نقطه کانونی عدسی روی شبکیه قرار نمی گیرد و در جلوی آن تشکیل می شود.

پیر چشمی دوربینی و اختلال دید بر اثر بالا رفتن سن است که در آن با از دست رفتن تدریجی خاصیت ارتجاعی عدسی چشم، قدرت تطابق کم می‌شود.

کوررنگی یک بیماری است که در آن فرد قادر به تشخیص یک یا برخی رنگها نمی‌باشد. سلول‌های مخروطی چشم افراد کوررنگ فاقد رنگدانه‌هایی هستند که موجب دیدن رنگها می‌شوند. به همین دلیل این افراد برخی رنگها را به شکل طیفی از رنگهای خاکستری و سیاه می‌بینند. کوررنگی انواع مختلفی دارد که شایع‌ترین آنها عدم توانایی در تشخیص رنگ سبز و قرمز از یکدیگر است. مشکل داشتن در تشخیص اینکه جسمی قرمز است یا سبز، و یا آبی است یا زرد اصلی‌ترین علامت کوررنگی است. در اصطلاح علمی، توانایی تمیز دادن سه رنگ اولیه، یعنی سرخ و آبی و سبز، از یکدیگر که باعث رؤیت بهنجار رنگهاست **سه‌رنگ‌بینی** نام دارد.

کوررنگی انواع مختلفی دارد که شایع‌ترین آنها عدم توانایی در تشخیص رنگ سبز و قرمز از یکدیگر است. عدم تشخیص هیچ‌یک از رنگها یکی از گونه‌های بسیار نادر کوررنگی است، و در آن فرد اشیاء را همچون در فیلم‌ها و یا عکسهای سیاه و سفید می‌بیند. **تک‌رنگ‌بینی** و یا کوررنگی کامل نوع نادری از این اختلال است که در آن هیچ‌یک از انواع سلول‌های مخروطی فعال نیستند و فرد قادر به تشخیص هیچ رنگی نیست. **دورنگ‌بینی** در صورتی ایجاد می‌شود که یکی از سه نوع سلول مخروطی فاقد رنگدانه باشد. گونه‌ها:

سرخ‌کوری اختلالی در تشخیص رنگ که در آن فرد مبتلا توانایی تشخیص رنگ سرخ را از زرد و سبز ندارد. در این صورت فرد رنگ سرخ را تیره و مایل به سبز می‌بیند. **سبزکوری** اختلالی در تشخیص رنگ که در آن فرد مبتلا توانایی تشخیص رنگ سبز را از سرخ و زرد ندارد. شایع‌ترین نوع کوررنگی است. **آبی‌کوری** اختلال نادری در تشخیص رنگ که در آن شخص مبتلا، به نور آبی حساس نیست و آبی و سبز را با هم اشتباه می‌کند. نوعی نقصان بینایی که در آن اشیای رنگین به رنگی دیگر و اشیای بی‌رنگ، رنگین به نظر می‌رسند، **رنگین‌بینی** نامیده می‌شود. کور رنگی هیچ درمانی ندارد. (۷)

سه. بصیرت دینی

بصیرت از کلیدواژه‌های ارزنده دینی است که البته مثل بسیاری از مفاهیم و تعالیم اصیل دینی توسط برخی ارباب دنیا خرج قدرت روزمره سیاسی شده است. در این مجال به اختصار به سه بحث مختصر می پردازم: بصیرت از منظر لغت، قرآن و سنت.

الف. بصیرت در لغت: بصر یا باصره چشم ظاهری، و بصیرت رؤیت و علم باطنی توسط قلب است. بصیرت یعنی علم از طریق «نظر» چشم یا قلب. رؤیت و نظر مطلقند و مقید به علم نیستند، علم هم مطلق است مقید به قید نظر نیست. بصیر یعنی عالم از طریق نظر. به برهان چون در مقام احتجاج دیده می شود هم بصیرت گفته می شود. بصیر از اسمای حسناى خداوند است: یا سمیع یا بصیر. (۸)

ب. بصیرت در قرآن: از این ماده ۱۳۷ بار در قرآن کریم استعمال شده است. (۹) تنها به پنج مورد کوتاه اشاره می کنم:

- إِنْ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (۱۰) در این عبرتی است برای آنها که صاحب بصیرتند.

- أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ (۱۱) با بصیرت [همگان] را به سوی خدا دعوت می کنم. یعنی بر حجت قاطع و نفس مطمئن.

- هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ (۱۲) این [قرآن] عامل بصیرت از جانب پروردگارتان و هدایت و رحمت است.

- فَلَا أَقْسَمُ بِمَا تُبْصِرُونَ وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۳) سوگند به آنچه می بینید، و آنچه نمی بینید، که این قرآن گفتار رسول بزرگواری [جبرئیل] است. مراد از ابصار در اینجا نظر دقیق است. (۱۴)

- قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيفٍ (۱۵) دلایل روشن از طرف

پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم ببوشد، به زیان خودش می باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی کنم). بصیرت

بینه و دلالتی است که با آن امور آن چنان که هست دیده می شوند. (۱۶) بینایی و نابینایی در این آیه یعنی علم و جهل یا ایمان و کفر با توسع. (۱۷) این همان آیه ای بود که در صدر سخن تلاوت شد. دیندار با بصیرت به امور می نگرد، چشم دلش سالم است، کج و معوج نمی بیند، لوچ و دوبین نیست، کوررنگ و نزدیک بین و دوربین نیست.

ج. بصیرت در سنت: بصیرت در سنت پیامبر و اهل بیت او کاربرد گسترده ای دارد. در این مجال به هفت مورد مختصر به اجمال اشاره می کنم. رسول الله (ص) در کلامی که سرلوحه تعالیم عرفاست فرموده است: اللَّهُمَّ ارِنَا الْحَقَائِقَ كَمَا هِيَ. (۱۸) خدا حقایق را آن چنان که هستند به من نشان بده. رسول خدا (ص) هم از اینکه امور را خلاف واقع ببیند و بنماید از خدا استمداد کرده است.

یکی از زیباترین تعالیم دینی در مورد بصیرت دعای فاخر، صحیح السند و عالیة المضامین سیدالساجدین علی بن الحسین (ع) به روایت ابوحمزه ثمالی است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ (۴۷۰) أَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ (۴۷۱) وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ (۴۷۲) وَأَبْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ (۴۷۳) وَأَبْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ (۴۷۴) اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ (۴۷۵) وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ (۴۷۶) وَفِقَهَا فِي عِلْمِكَ (۴۷۷) وَكَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ (۴۷۸) وَوَرَعًا يَحْجُزْنِي عَنْ مَعَاصِيكَ (۴۷۹) وَبَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ (۴۸۰) وَأَجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ (۴۸۱) وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۴۸۲). (۱۹)

«خدایا! به من ایمانی ده که پایش دیدار تو باشد و بر آن ایمان مرا زنده بداری و مرا بر آن ایمان بمیرانی و هم روز رستاخیز بر آن ایمان مبعوثم کنی. و دلم را از ریا و شک و خودنمایی در دینت پاک کن تا علمم فقط برای تو باشد. خدایا! بصیرت در دینت و فهم احکامات و ادراک دقیق علمت و بهره دو چندان از رحمت و تقوایی که مرا از گناهان باز بدارد عطایم کن و در پرتو نورت رویم را سفید گردان و رغبت و شوقم را در آنچه نزد تو است

قرار ده و مرا در راه خودت و بر آیین رسالت - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بمیران.» امام سجاد (ع) هم از خدا بصیرت در دین طلب می کند و چه چیزی بالاتر از آن.

چهار روایت بعدی از امام جعفر صادق (ع) است.

- «العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطريق» (۲۰) کسی را بدون بصیرت کار می کند مانند فردی است که در بیراهه طی طریق می کند.

- «العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی السراب» (۲۱) کسی که بدون بصیرت کار می کند مانند فردی است که به دنبال سراب می رود.

- دعای مشهور: "اللهم ... اجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک أبدا ما أبقيتني". (۲۲) «خدایا نور در چشمم، بصیرت در دینم، یقین در قلبم، اخلاص در عملم، سلامت در نفسم، گشایش در رزقم و شکرگزاری ابدی برای تو تا زنده ام عنایت بفرما.» این دعا از ادعیه جامعی است که با وجازتش متضمن حوائج دنیا و آخرت است. (۲۳)

- دعای دیگری: "یا کریم، أسألك باسمک العظیم رضاک عند السخطة، و الفرجة عند الكرب، والنور عند الظلمة، والبصيرة عند تشبه الفتنة، (۲۴) ای خدای بخشنده به حق اسم عظیمت می خوانم رضایت را در هنگام خشم، گشایش هنگام شدت، نور هنگام تاریکی و بصیرت هنگام بروز فتنه می طلبم.

اگر به کتاب و سنت نسبت دهیم که یکی از مطالبات مؤمن بصیرت دینی است نسبت صحیحی است. بصیرت دینی یعنی سلامت بینش دینی و عدم ابتلا به بیماری‌های مختلفی از قبیل کوررنگی، نزدیک بینی و دوربینی دینی و غیره.

چهار. کوررنگی دینی

اکنون نوبت به بحث اصلی می رسد. اگر فرض کنیم چشم دل هم اختلال داشته باشد در حوزه امور فرهنگی خصوصا دینی چه اتفاقاتی می افتد؟ آیا می توانیم از دوربینی دینی، نزدیک بینی دینی، پیرچشمی دینی، کوررنگی

(تک رنگ بینی، دو رنگ بینی، سه رنگ بینی) دینی، و حتی نابینائی دینی سخن بگوئیم؟ در این مجال در هر مورد به چند مثال اکتفا می کنم.

دوربینی دینی: بیمار امور نزدیک یعنی مسائل امروز دینی جامعه خود را نمی بیند، در حالی که امور دور را درست می بیند. این امور دور می تواند دوردست زمانی یا دوردست مکانی یا هردو باشد. بیمار امور دینی قرون ماضیه مثلا احکام شرعی در شرائط زمانی مکانی چهارده قرن قبل را درست تشخیص می دهد، اما از تشخیص مسائل شرعی زمان خود عاجزاست! یا به راحتی نواقص و کاستی های دینی دیگر جوامع را شناسایی می کند، اما توان درک نارسائی های واقعی دینی جامعه خود که جلو چشمش است را ندارد.

- مثلا اجماعاتی که به اقلیت شیعه در کشورهای دیگر می شود را درست می بیند و به حق اعتراض می کند، اما اینکه مثلا مسلمانان اهل سنت ایرانی در شهرهایی که اکثریت نیستند از داشتن حق مسجد خاص خود محرومند را نمی بیند و در نتیجه اعتراض نمی کند.

- عدم رعایت عفاف و نجابت را در جوامع غیرمسلمان می بیند و به حق اعتراض می کند، اما رواج نهادینه دروغگویی، تقلب، ظلم، تهمت و افترا - که همگی از گناهان کبیره است - را در اطراف خود و در میان مسلمانان از جمله شیعیان أصلا نمی بیند و به روی مبارک خود نمی آورد.

نزدیک بینی دینی: بیمار امور نزدیک را تشخیص می دهد، اما از دیدن امور دور عاجز است. بیمار امور دینی شخص خود یا خانواده اش را درک می کند، اما دورتر از آن را أصلا نمی بیند. او از تشخیص نیاز دینی جوامع دیگر که از او دور هستند، یا نیازهای آینده که زمانا دور است ناتوان می باشد. افق دید او در حد نوک بینی اوست و دورتر از آن را نمی بیند.

- او نمی بیند که عملکرد او و همفکرانش چه مشکلاتی برای شیعیان و حتی به طور عام مسلمانان - که در دیگر جوامع در اقلیت هستند - ایجاد کرده است.

- او نمی بیند که عملکرد سوء او همفکرانش بنام اسلام و تشیع چه موانعی برای دیانت نسلهای آینده ساخته است. او درک نمی کند که بنام دین عامل دین گریزی نه فقط نسل جوان حاضر بلکه نسلهای آینده شده است.

پیرچشمی دینی: فرد بر اثر کبر سن مبتلا به دوربینی دینی است به شرحی که گذشت. او درک نمی کند که وقتی مبتلا به پیرچشمی دینی است زمان بازنشستگی او فرارسیده و بزرگترین خدمت او به اسلام و مسلمین سکوت و عدم اظهارنظر است! یعنی اینکه به دلیل پیرچشمی و عدم بصیرت سخنانی نگویید و مواضعی اتخاذ نکند که وهن اسلام و باعث آبروریزی متدینان شود.

کوررنگی دینی: بیمار قادر به درک برخی مقولات نیست، این مقولات در فرهنگ دینی مانند رنگها در رؤیت بصری ظاهری است. در حقیقت کوررنگی فیزیکی در امور فرهنگی و دینی کورمقوله‌ای و نابینایی در حوزه برخی مقولات بنیادی دینی است.

- مثلاً فرد این مقوله را درک نمی کند: انسان از آن حیث که انسان است، نه از آن حیث که مذکر است، یا از آن حیث که مسلمان است، یا از آن حیث که شیعه است، یا به دلیل آنکه طرفدار ولایت مطلقه فقیه است، حق دارد. در این صورت هرگونه تبعیض جنسی یا دینی یا مذهبی نادرست و ظالمانه و نامشروع است.

- یا این مقوله را أصلاً هضم نکرده است: زمامدار وکیل و نماینده مردم کشور است و حق ندارد بدون رضایت و صلاح دید آنها رفتار کند و تصمیم بگیرد. هیچکس از جانب خدای تعالی و پیغمبر (ص) و امام (ع) برای اداره دنیوی منصوب نشده است. یا اگر در حوزه امور عمومی اکثریت مردم به چیزی تمایل داشته باشند و زمامدار و مواجب بگیرانش به چیز دیگری تمایل داشته باشند افراد در قدرت موظفند نظر اکثریت مردم را تامین کنند. در غیر این صورت باید از کرسی وکالت مردم پائین بیایند.

- افراد مبتلا به کوررنگی دینی این مقوله کلیدی که از ممیزات مکتب عدلیه (و شیعه از جمله مهمترین اعضای این مکتب مستحکم در فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق است) است را درک نمی کند: هیچ حکم شرعی نمی تواند ظالمانه، غیراخلاقی، غیرعقلانی و ناکارآمد باشد. به عنوان مثال سنگسار در این زمان، اجرای مجازات اعدام در ملأ عام، مجازات اعدام برای تغییر دین، قطع اعضاء، شلاق زدن، جواز تنبیه بدنی زن توسط شوهر، حق یک طرفه طلاق، حجاب اجباری، عدم جواز مسافرت زن بدون اذن محضری شوهر «در این زمان» موجب وهن اسلام، غیرعقلانی، غیراخلاقی، ظالمانه و ناکارآمد است، اگرچه در زمان نزول عقلانی، اخلاقی، عادلانه و کارآمد بوده است.

برخی امور از قبیل برده داری و مواردی که گذشت در طول قرون و اعصار احکام متفاوت داشته اند. ندیدن این تفاوتها نشانه کوررنگی است. کسی که هنوز هم برده داری را حکم شرعی معتبر در این زمان می داند یقین بداند مبتلا به کوررنگی دینی است. و همینگونه امور مشابه برده داری که گذشت.

- یکی از مقولاتی که از انفتاح آن هزار در گشوده می شود این مبنای متین است: فقاہت هیچ تناسبی با مدیریت اقتصادی یا سیاسی ندارد. مدیریت سیاسی و اقتصادی تخصصی متفاوت با تخصص در استنباط احکام کلیه از منابع دینی لازم دارد. این مبنای متین را استاد فقهای اصولی شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (مشهور به کمپانی) در حاشیه خود بر مکاسب شیخ اعظم تصریح کرده است: «فقیه به واسطه فقیه بودنش در استنباط، اهل نظر محسوب می شود نه در امور متعلق به تنظیم امور شهرها، حفظ مرزها، اداره امور جهادی و دفاعی و امثال آن. پس معنی ندارد، اینگونه امور را به فقیه به واسطه فقیه بودنش موکول کنیم.» (۲۵)

- موسیقی و آواز فی حد نفسه حرام نیست. (۲۶) نواختن آلات موسیقی، خرید و فروش، تعلیم، نمایش، گوش کردن و برگزاری کنسرت حرام نیست. آن که فتوا به حرمت مطلق موسیقی و آواز می دهد مبتلا به کوررنگی دینی است.

- برگزاری مسابقه ورزشی در ایام درگذشت یا شهادت اولیاء دین هیچ اشکال شرعی ندارد. شادی در پیروزی ورزشی هیچ ربطی با شادی در مصایب اهل بیت پیامبر ندارد. برگزاری مراسم عقد و عروسی در ماههای محرم و صفر هیچ اشکال شرعی ندارد. کسی که به غیر این فتوا می دهد به کوررنگی دینی مبتلاست.

و هزارها مسئله دیگر. این فهرست مقولاتی که مبتلایان به کوررنگی دینی در آنها در حق دین و مذهب جفا می کنند فهرست بسیار طولانی است. به همین چند مثال اکتفا می کنم تا بتوانم به بقیه مباحث پردازم. کوررنگ دینی به جای دیدن این مقولات متنوع تنها طیفی خاکستری و سیاه از عزاداری و قالب بی محتوای برخی احکام را می بیند.

تک رنگ بینی دینی: فرد مبتلا به این بیماری تنها برخی مقولاتی دینی را می فهمد و در مقابل بسیاری مقولاتی بنیادی دین و مذهب را نمی بیند یا ندیده می انگارد.

- به عنوان مثال او هیچ درکی از شادی ندارد. برای ارادت به اهل بیت چیزی جز عزاداری نشناخته است. آن هم نه یک روز، ابتدا سه روز، بعد یک هفته، سپس یک دهه، بعد تمام ماه. کدام دلیل معتبر مذهبی بر عزاداری تمام ماه‌های محرم و صفر قابل اقامه است. تاریخ وفات هر امامی هم به چند روایت عزاداری می شود. عزاداری، روضه خوانی و نوحه سرائی به یک پیشه پردرآمد برای بعضی تبدیل شده است، شنوندگان هم که با قطره ای اشک برائت از عقاب اخروی می خرنند. فروشنده و خریدار راضی، خدا و رسول و اهل بیت ناراضی!

- یا دیانت در پوشاندن موی بانوان خلاصه می شود. این مقوله را برخی می بینند، اما هزارها مقوله مهمتر از آن به روح قرآن و مقاصد شریعت از قبیل عدالت اجتماعی و اخلاق دینی مرتبط است اصلاً و ابداً نمی بینند و نمی خواهند ببینند. دیانت را اخیراً وارد فرهنگ عمومی کردند، و بدست جاهلان متنسک حربه دادند. راستی مهمتر از قبح دیانت را در فرهنگ دینی نیافته اند؟

متأسفانه بسیاری از کسانی که به نام اسلام، تشیع، فقهت و شریعت در زمان ما سخن می گویند و تربیونهای رسمی را در اختیار دارند به یکی از این بیماری ها یعنی نزدیک بینی، دوربینی، کوررنگی، تک رنگ بینی، رنگین بینی و در مجموع اختلال در بینش دینی مبتلا هستند. اظهارنظرهای آنها که از صدا و سیما، تربیون نماز جمعه و غیر آن منتشر می شود مایه مضحکه، و وهن اسلام است. این افراد که مناصب دینی رسمی در کشور ما را تصاحب کرده اند بیمارند. بیمارانی که خود را سالم و مردم را بیمار می پندارند! آنها هنری جز بدبین کردن مردم خصوصاً نسل جوان با اساس اسلام و تشیع نداشته و ندارند. الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۲۷) آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ با این حال، می پندارند کار نیک انجام می دهند!

پنج. مؤیدات نقلی

تشخیص بیماری کوررنگی دینی یا اختلال در بصیرت دینی امری عقلی است. اما اگر کسی می خواهد از نقل هم چیزی بشنود، می تواند به مؤیدات نقلی زیر مراجعه کند. هر دو به امام علی (ع) نسبت داده شده است. هر دو روایت مرسله است یعنی سندشان ذکر نشده است. اما مضمونشان قابل اعتناست.

الف. **عَلَيْ سِدْلٍ عَلَى إِدْبَارِ [زوال] الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأُصُولِ، وَالتَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ [بالغرور]، وَتَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ، وَتَأْخِيرِ الْأَفْاضِلِ.** (۲۸) «بر پشت کردن [زمانه و مردم] به حکومت ها [یا زوال آنها] به چهار چیز استدلال می شود: ضایع

کردن اصول [و مبانی]، چنگ زدن به فروع [غرور]، به کار گماردن فرومایگان، و کنار گذاردن نخبگان.»
کوررنگی دینی دقیقا یعنی تضييع اصول و پرداختن به فروع. مراد از اصول یعنی پایه ها و بنیادهای دین داری از قبیل عدالت، کرامت انسان، رحمت، آزادی و حق اختیار آدمی، تعقل و خردمندی، تقوی و خداپرورایی. در مقابل این اصول مقبول دین را به فروعی از قبیل حجاب موی بانوان، عزاداری ایام محرم، اجرای حدود و تعزیرات خصوصا شلاق و رجم و قطع ید تبدیل کردن پیشه شبانه روزی جماعتی از مردم جامعه ماست. پیشه است زیرا عده ای دارند از این تضييع اصول و تمسک به فروع ارتزاق می کنند. اگر این رگ گردن قوی کردن برای برخی فروع مشکوک را از آنها بگیریم همچون مجسمه برفی در آفتاب آب می شوند و مضمحل می گردند. اگر قرار بود به اصول و مقواعد مسلم دین عمل شود محلی از اعراب برای این کورنگ های دینی باقی نمی ماند.

ب. روایت دوم: «الانسان عقل وصوره، فمن أخطأه العقل ولزمته الصورة لم يكن كاملا، وكان بمنزلة من لا روح فيه، ومن طلب العقل المتعارف فليعرف صورة الاصول والفضول، فإن كثيرا من الناس يطلبون الفضول ويضعون الاصول، فمن أحرز الاصل اكتفى به عن الفضل.» (۲۹) ترجمه: انسان متشکل از عقل و صورت است. کسی که در عقل خطا کرد و به صورت چسبید کامل نیست، و به منزله بدن بدون روح است. هر کسی بخواهد خردمندانه (عقل متعارف) رفتار کند باید مسائل اصلی را از غیر اصلی باز شناسد و تمیز دهد. بسیاری از مردم [بر خلاف میزان عقل و تجربه] به دنبال مسائل غیر اصلی (فضول) می روند و مسائل اصلی را زیر پا می گذارند؛ در صورتی

که هر کس مسائل اصلی را حل کرد، مسائل اصلی او را از مسائل غیر اصلی کفایت می کند (مسائل غیر اصلی به تبع مسائل اصلی حل می شوند). روایت فوق به منزله شرح «تضييع أصول و تمسك به فروع» در روایت قبل است. در این روایت به جای فروع از «فضول» استفاده شده است، امور غیر ضروری که انجام آنها نهایتاً فضل و مستحسن است بی آنکه واجب و الزامی باشد. اگر سیمای دینداری در زمانی تنها از فروع و فضول تشکیل شده باشد و از اصول در آنها خبری نباشد، این یعنی همان پوستین وارونه و واژگونه. به فرموده امیرالمؤمنین (ع): «وَلَيْسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفَرِّوِّ مَقْلُوباً» (۳۰) و اسلام را همچون پوستین وارونه می پوشند.

شش. پاسخ به سه سؤال اصلی

اکنون زمان پاسخ به سه پرسشی که در بخش اول مطرح کردم فرارسیده است. پرسش اول این بود: این گویندگان مذهبی چه نسبتی با اسلام و تشیع دارند؟ پاسخ: آنها نمایندگان اسلام حکومتی و رسمی هستند. بسیاری باورمندان به اسلام سنتی هم با آنها همداستانند. این جماعت درصد قابل توجهی از مسلمانان و نیز شیعیان را تشکیل می دهند. روایت آنها از اسلام معیوب است. آنها با چشمان بیمار (کوررنگی بینی دینی، نزدیک بینی و دوربینی دینی) به اسلام و تشیع نگریسته اند: دینداری یا دین ورزی بیمار. اسلام شناسی یا شیعه شناسی آنها به عدم توازن، ناهماهنگی، درشت نمایی برخی تعالیم پیش افتاده، مبالغه در انجام برخی امور مباح و نهایتاً مستحب یا ترک برخی امور مباح و نهایتاً مکروه، و سهل انگاری یا نادیده انگاری در تعالیم اساسی و مقولات بنیادی دینی مبتلاست. متأسفانه این بیماری مسری، مزمن و فراگیر است و عامل آن همین علمای مبتلا به کوررنگی دینی هستند. سوگوارانه آنها که می بایست عامل شفا باشند امروز ناقل بیماری اند.

در متن دین یعنی آیات و روایات معتبر اگر خارج از زمینه خود و تحت اللفظی و به غلط تفسیر شوند، این کوررنگان بیمار دل مستندات و شواهدی دارند. مستند اصلی آنها «روایات بی اعتبار» است. آنها علمایی با تاخیر

فاز فرنگی هستند که متعلق به زمانه خود نیستند و چند قرن دیر به دنیا آمده اند. در خوش بینانه ترین حالت به أصحاب کُهِف می مانند که زمانه آنها سپری شده است. آنها مایه وهن اسلام و تشیع و عامل ادبار از دین و مذهب هستند. آنها نگهبانان صورت های بی محتوا و قالبهای بی روح مذهب هستند.

پرسش دوم این بود: وظیفه ما در قبال این اظهارنظرها چیست؟ پاسخ: تبری از گویندگان، مولدان، مروجان، مبلغان و موافقان این اظهارنظرهای سست و بی پایه. اگر کسی مباحثی که گذشت را صائب می داند مسلماً وظایفی متوجه اوست. اگر کسی از این روحانیون مبتلا به کوررنگی دینی تبعیت می کرده و آنها را نماینده دین و مذهب می پنداشته باید تجدید نظر کند. روحانیون حکومتی از قبیل ائمه جمعه و نمایندگان ولی فقیه در نهادهای مختلف نظامی، انتظامی، امنیتی، قضائی، آموزشی، تبلیغاتی و غیره (الا مستثنیاتی نادر، والنادر کالمعدوم!) مبتلا به کوررنگی دینی هستند والا نصب نمی شدند!

اما مراجع محترم تقلید سنتی اگر اقتداری دارند به اعتبار مقلدین آنهاست. متدینین و دینداران با تقلید و رجوع به چنین فقها و مجتهدین ناآشنا به زمان و مکان آنها را به منزلت اجتماعی و دینی رسانده اند. بنابراین متدینینی که همچنان در تقلید این گونه مراجع محترم مبتلا به کوررنگی دینی باقی هستند حق شماتت غیرخود را ندارند! آنها از جمله شعر منسوب به ناصر خسرو قبادیانی هستند:

ناگه ز کمینگاه، یکی سخت کمانی / تیری ز قضا و قدر انداخت بر او راست

بر بال عقاب آمد، آن تیر جگردوز / وز ابر مر او را به سوی خاک فرو کاست

بر خاک بیفتاد و بغلتید چو ماهی / وانگاه پر خویش گشاد از چپ و از راست

گفتا: «عجب است! این که ز چوب است و ز آهن! / این تیزی و تندی و پریدنش کجا خاست؟!»

چون نیک نگه کرد و پر خویش بر او دید / گفتا: «ز که نالیم که از ماست که بر ماست.»

از ماست که برماست.

پرسش مهم سوم به حداقل دو پرسش ریز قابل تجزیه است. یکی اینکه نکند اصل اسلام و تشیع همین باشد که اینها می گویند؟ پاسخ: البته ادعای اسلام ستیزان حرفه ای بین المللی و وطنی همین است که اصلاً اسلام

اصیل همین است. امثال مرا خطاب قرار می دهند که «شما دارید رفوگری، ماله کشی و تلاش مذبوحانه می کنید. مشکل در ذات ارتجاعی این دین است.» عده‌ای نیز مشکل را در ذات تشیع پنداشته اند. گویی اسلام اهل سنت گل بی عیب است و در آن کورچشمی دینی و بنیادگرایی بی سابقه است! گروه سوم از منورالفکرها و روشنفکران مشکل را در ذات فقاہت و شریعت یافته اند و با نسخه گذر از اسلام فقاہتی به اسلام عرفانی یا معنوی مشکل را حل شده پنداشته اند. در مقاله اسلام تک ساحتی (شهریور ۱۳۸۹) مدعای گروه اخیر را نقد کرده ام. به باور من اسلام و تشیع این نیست که حاکمان ایران نظرا و عملا معرفی کرده اند. اسلام مراجع سنتی تقلید را نیز در مقاله اجتهاد در اصول و مبانی (مهر ۱۳۹۵) و قبل از آن در کتاب حق الناس (۱۳۸۷) خصوصا در مقوله حقوق بشر (۳۱) آن نقد کرده ام. اگر کسی می پندارد اسلام و تشیع همین است که امثال علم الهدی، مصباح و جنتی و آقایان مراجع محترم تقلید معرفی می کنند با او عرضی نیست.

اما بخش دوم پرسش سوم: به چه دلیل توجیه و تبیین اینها اسلام نیست و تبیین امثال شما اسلام است؟ از کجا تشخیص دهیم چه کسی درست می گوید؟ آن طرف مراجع تقلید، رهبر و نمایندگان، ائمه جمعه بزرگترین شهرهای کشور تشکلهای سابقه دار روحانی از قبیل جامعه مدرسین و روحانیت مبارز هستند. اکثر مراجع و روحانیونی هم که ساکت هستند با این افراد هم نظرند. حالا شمای یک لاقبای تک و تنها که هستید؟ و به چه دلیل سخن شما اسلام و تشیع است؟ پاسخ: این سوال مهمی است. به هزار دلیل و برهان! به دلیل اصول، مبانی و معالم دین. باید کمی هم عقل خود را به کار انداخت. سخن امام علی یک معیار است: إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُعْرَفُ بِالرَّجَالِ، بَلْ بِآيَةِ الْحَقِّ، فَأَعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفَ أَهْلَهُ (۳۲) دین را با افراد نمی شناسند، بلکه با نشانه‌های حق [دین را می شناسند]. حق را بشناس تا اهلش را بشناسی [نه برعکس!]

در شناخت حق بجای تقلید از مشاهیر و مقامات باید نشانه‌های حق را شناخت. البته نشانه شناسی حق کار ساده‌ای نیست. اما وظیفه‌ای ضروری است. نشانه‌های حق در زمان ما چیست؟ نشانه‌های حق در ادبیات دینی به «معالم دین» تعبیر شده است. «معالم دین» در زمان ما چه هستند؟ این موضوع جلسه بعدی است.

اللهم اجعل النور فى بصرى، والبصيرة فى دينى، واليقين فى قلبى، والاخلاص فى عملى، والسلامة فى نفسى،
والسعة فى رزقى، والشكر لك أبدا ما أبقيتنى.

والحمد لله

سخنرانى محرم ۱۴۳۸، ۱۷ مهر ۱۳۹۵، ۸ اکتبر ۲۰۱۶

مرکز اسلامى فرهنگى کالیفرنیاى شمالی، اکلند

یادداشت‌ها:

۱. انعام ۱۰۴.
۲. تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۱۳ ح ۲۰۱؛ مصباح المتهجد، ص (۷۸۸).
۳. روزنامه شرق ۱۷ مرداد ۱۳۹۰.
۴. خبرگزاری حوزه، ۸ مهر ۱۳۹۵.
۵. خبرآنلاین، ۱۳ مهر ۱۳۹۵.
۶. خبرگزاری مهر، ۱۳ مهر ۱۳۹۵.
۷. ویکی پدیا، مدخلهای کوررنگ بینی، نزدیک بینی و دوربینی.
۸. با استفاده از التحقيق فى کلمات القرآن الکریم، نوشته حسن مصطفوی، جلد اول.
۹. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، عبدالباقي.
۱۰. آل عمران ۱۳.
۱۱. یوسف ۱۰۸.
۱۲. اعراف ۲۰۳.
۱۳. حاقه ۳۹.
۱۴. مصطفوی، التحقيق، پیشین.
۱۵. انعام ۱۰۴.
۱۶. طبرسی، مجمع البیان.
۱۷. طباطبائی، المیزان.
۱۸. عوالی اللالی ج ۴ ص ۱۳۲ ح ۲۲۸.
۱۹. دعای ابوحمزه ثمالی: طوسی، مصباح المتهجد و سید بن طاووس، اقبال الاعمال. شماره فقرات دعا بر اساس شماره بندی دعای ابوحمزه ثمالی با شرح علی احمدی میانجی است.
۲۰. کلینی، کافی، کتاب فضل العلم، باب من عمل بغير علم، ح ۱، ج ۱ ص ۴۳؛ أمالی صدوق، ص ۵۰۷، تحف العقول، ص ۳۶۴.
۲۱. أمالی مفید، مجلس ۵ ح ۱۱، ص ۴۲.

۲۲. کلینی، کافی، کتاب ۶: الدعاء، باب ۵۴: الدعاء فی ادبار الصلوات، ح ۱۱، ج ۲ ص ۵۵۰-۵۵۱؛ امالی مفید ۱۷۹؛ امالی طوسی ۱۹۶.
۲۳. مجلسی، مرآة العقول.
۲۴. کلینی، کافی، کتاب الدعاء، باب دعوات موجزة لجميع الحوائج، ح ۳۱، ج ۲ ص ۵۹۰-۵۹۲؛ مصباح المتعبد ۲۷۳.
۲۵. شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، حاشیة المكاسب، ج ۱، ص ۲۱۴، چاپ سنگی.
۲۶. اسلام شیعی: شادی، موسیقی، آواز و رقص (خرداد ۱۳۹۲).
۲۷. كهف ۱۰۴.
۲۸. آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ح ۱۰۹۶۵؛ علی بن محمد لیثی واسطی [قرن ۶]، عیون الحکم والمواعظ، ص ۵۵۰، ح ۱۰۱۵۷.
۲۹. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، محمد بن طلحة نصیبی شافعی [م ۶۵۲] ص ۴۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، کتاب الروضة، أبواب المواعظ والحکم، باب ۱۵: مواعظ امیرالمؤمنین (ع) و خطبه و حکمه، حدیث ۵۹، ج ۷۸ بیروت، ص ۷.
۳۰. انتهای خطبه ۱۰۷ نهج البلاغه.
۳۱. روشنفکری دینی و حقوق بشر (۱۳۸۲).
۳۲. امالی مفید، مجلس ۱، ح ۳، ص ۳؛ امالی طوسی، ح ۱۲۹۲، ص ۶۲۵.



<http://kadivar.com/?p=15615>
kadivar.mohsen59@gmail.com